

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تربیت دینی، چه هست و چه نیست؟

دکتر مهدی فیض

مهرماه ۱۴۰۳

تربیت دینی، چه هست و چه نیست؟

شامل چهار بخش:

بخش اول: تربیت، چه هست و چه نیست؟

بخش دوم: دیندار، که هست و که نیست؟

بخش سوم: تربیت دینی، چه هست و چه نیست؟

بخش چهارم: چند نکته کاربردی

بخش اول:

تربیت، چه هست و چه نیست؟

تعریف رایج از تربیت چیست؟

تربیت عبارتست از ایجاد زمینه‌های لازم و کاهش موانع احتمالی، به منظور به فعلیت رساندن ظرفیت‌های نهفته در هر موجود، در راستای اهداف و ارزشهای مورد نظر مربی.

البته این تعریف در نهایت، اصلاح خواهد شد.

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۱- تربیت، حتی باغبانی نیست؛ چه رسد به نجاری و صنعتگری

تربیتِ درست هر انسان، از یک سو، مبتنی بر فطرت و ظرفیت آن موجود است (مثل تربیت گیاهان)، و از سوی دیگر تحت تاثیر ارادهٔ خود متربی و نیز شرایط محیطی.

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۲- تربیت، شدنی است و نه کردنی.

همچون درخت که خود، از درون، رشید می‌شود و باغبان، آن را رشید نمی‌کند!

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۳- تربیت، علم نیست،

بلکه بیش از آن که از جنس علمِ مصطلح باشد، نوعی بصیرت است، و بیش از آن که تجربهٔ علمی باشد تجربهٔ شهودی است.

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۴_ تربیت، اجتماعی کردن و همسان‌سازی مربی، با هنجارها و ارزشهای محیط وی نیست،

بلکه فرصت دادن به تفرّد و تشخّص اوست، با توجه به هنجارها و ارزشهای محیط وی.

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۵- تربیت، تغییر دادن و شکل دهی نیست،

بلکه ایجاد فرصتی برای خلاقیت و نوآوری، و خودسازی و خودآفرینی است.

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۶- تربیت پرکردن چاه دانشی متربی، توسط مربی نیست،

بلکه فرصت‌دهی به متربی، برای جاری شدن چشمهٔ معرفت در درون اوست.

آب کم جو، تشنگی آور به دست تا بجوشد آب ت از بالا و پست مولوی

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۷- تربیت، «سرعت بخشیدن به مراحل رشد» نیست!

بلکه همراهی با مربی، در مراحل رشد طبیعی اوست؛ یعنی عدم تحمیل تکالیفِ مالاِطاق

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۸- تربیت، یک‌سویه، از طرف مربی به سوی متربی نیست،

بلکه دوسویه و تعاملی است. لذا مربی باید در هر لحظه، آمادهٔ انعطاف و حتی آموختن از متربی خود باشد.

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۹- تربیت، دخالت کردن‌های پی‌درپی نیست،

بلکه تغافل و نیز دخالت‌نکردن‌های، هوشمندانه و مسولانه است.

چراکه هر چه ما مربیان بیشتر دخالت کنیم، متربی، منفعل‌تر و بی‌مسولیت‌تر می‌شود.

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۱۰- تربیت، شکوفاکردن استعدادهای منتخب ما نیست،

بلکه زمینه‌سازی برای شکفتن استعدادهای اختصاصی متربی، و به انتخاب و اختیار اوست.

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۱۱- تربیت، الگودهی نیست،

بلکه فرصت‌سازی برای کشف الگوی مناسب تربیتی، توسط خود اوست.

تربیت، چه هست و چه نیست؟

۱۲- تربیت، رفع موانع از پیش روی متربی، و برخوردار ساختن وی از امکانات فراوان نیست،

بلکه فرصت دادن به متربی، برای دست و پنجه نرم کردن با مشکلات، و موانع عادی و طبیعی است؛ تا از این طریق، در مسیر خودسازی و خودآفرینی، مقاوم و استوار شود.

جمع‌بندی این بخش:

آنجا که تربیت کردن شروع می‌شود، تربیت‌شدن تعطیل می‌گردد.

آنجا که راه‌بردن آغاز می‌گردد، راه افتادن متوقف می‌شود.

آنجا که تسریع و تعجیل در رشد دادن صورت می‌گیرد، پختگی و بلوغ در رشدیافتن به تأخیر می‌افتد.

آنجا که پیام‌های تربیتی تحمیل می‌شود، درون‌سازی پیام‌ها تعطیل می‌گردد.

آنجا که دینی‌کردن بچه‌ها برنامه‌ای و رسمی می‌شود، دینی‌شدن بچه‌ها سطحی و تصنعی می‌گردد.

آنجا که شخصیت بچه‌ها از بیرون تزئین می‌گردد، سرمایه‌های فطری آنان از درون تهی می‌شود.

آنجا که الگودهی آغاز می‌شود، الگوجویی و کشف آن تعطیل می‌گردد.

آنجا که ساختن متربی آغاز می‌شود، خودسازی و خودآفرینی وی ناممکن می‌شود.

آنجا که بیش از حد به وظایف فرزندان خود حساس می‌شویم، و بدین منظور، دخالت‌های پی‌درپی

می‌کنیم، حساس‌شدن آنها به تکالیف خودشان و پرورش احساس مسولیت‌شان را به تأخیر می‌اندازیم !!!

تلاش برای ارائه تعریف جدیدی از تربیت

تربیت عبارتست از یک فرایند تعاملی منعطف میان مربی و متربی، که عمدتاً توسط مربی و برای تحقق یک هدف توافق شده بین آن دو، طراحی شده و پیاده‌سازی می‌شود، تا بدین سبب،

حفظ و تقویت انگیزه متربی، برای شکوفاشدن استعدادها و ظرفیت‌های اختصاصی‌ای، که در فطرتش نهفته‌است محقق شود؛ با کمترین دخالت مربی، در مسیر خودآفرینی و خودسازی متربی.

درخت سیب برای سیب‌دادن، و درخت گلابی برای گلابی‌دادن، سرشار از انگیزه است و نیز تشنه جذب مقدمات ثمردهی و دفع موانع تحقق این رویای شیرین. مشکل، زمانی رخ می‌دهد که از درخت سیب، انتظار میوه گلابی داریم!

پس تربیت، بیش از آنکه دارای ماهیت ایجابی، یعنی انجام‌دادن کارهایی باشد، دارای ماهیت سلبی است؛ یعنی انجام‌ندادن‌ها و دخالت‌نکردن‌ها و عجله‌نکردن‌ها و تحمیل‌نکردن‌ها و ...

بی‌شک هدف غایی تربیت دینی برای ما والدین و مربیان، داشتن نوجوانان و فرزندان دیندار است.

سوال اساسی: دیندار که هست و که نیست؟

بخش دوم:

دیندار، که هست و که نیست؟

دیندار، که هست و که نیست؟

۱- دین‌دان، دیندار نیست،

هرچند دانستن برخی موضوعات دینی، جزء کوچکی از دینداری، و از لوازم آن است.

دیندار، که هست و که نیست؟

۲- دیندار، تمام شوون زندگی اش دینی و با رنگ و بوی دین است
و نه فقط عبادات و مناسکش.

دیندار واقعی، یعنی یک انسان دین مدار

قرآن کریم: قل ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین...

زیارت عاشوراء: اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد، ومماتی ممات محمد و آل محمد

دیندار، که هست و که نیست؟

۳- دیندار، دینش را تابع هوا و هوس خود و خواسته‌های دیگران نمی‌کند،

بلکه خود، تابع دین است؛ چه در نظام اندیشه، چه در نظام اهداف و چه در نظام عمل.

قرآن کریم: **عَمَلُوا لِلّٰهِ دِينَكُمْ**!

دیندار، که هست و که نیست؟

۴- دیندار، دینش را نه از سر تحمیل و نه از سر تقلید دنبال نکرده، بلکه آن را خود اختیار کرده و از انتخاب خود احساس رضایت می‌کند.

قرآن کریم: لا اکراه فی الدین، قد تبین الرشد من الغی...

جمع‌بندی این بخش

تربیت دینی به دنبال داشتن انسانهایی است دین‌مدار،
و دیندار کسی است که: به اختیار خود، سبک زندگی خود را بر مبنای
مجموعه‌ای منسجم از باورها و ارزشها شکل داده تا هدف یا آرمان
معینی تحقق یابد و در این زمینه، نه تنها به ثبات نسبی رسیده‌است،
بلکه از این انتخاب و از اینگونه زیستن، احساس رضایت می‌کند.

بخش سوم: تربیت دینی، چه
هست و چه نیست؟

تربیت دینی، چه هست و چه نیست؟

تربیت دینی، آموزش دادن و ارائه آموزه‌های دینی، به مربی نیست،

بلکه فرصت‌سازی برای مربی، به منظور کشف حقایق است؛ همان حقایقی که اجمال آن در فطرت وی نهفته است و تفصیل آن، در تجربه‌های شخصی وی حاصل می‌شود.

همان که به "تذکر" نیاز دارد.

فطرت خدادادی را دست کم نگیریم!

باور کنیم که در فطرت خدادادی فرزندانمان،

➤ ارزشهای انسانی و الهی،

➤ باورهای اساسی و ضروری،

➤ گرایشهای سازنده و انگیزه‌بخش

➤ و نهایتاً بایدها و نبایدهای بنیادین،

تعبیه شده است و هیچیک از اینها، نیازی به القا و ایجاد ندارد، هر چند نیازمند **تذکر** است.

تربیت دینی، چه نیست و چه هست؟

تربیت دینی، صُلب و دُگم نیست، بلکه نرم و منعطف است. انعطافی متأثر از شرایط تربی و نیز شرایط محیطی.

تربیت دینی، چه نیست و چه هست؟

تربیت دینی، دعوت به همراهی کورکورانه نیست،
دعوت به کسب بینش و آگاهی است.

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا
أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (يوسف: ۱۰۸)

تربیت دینی، چه نیست و چه هست؟

تربیت دینی، دعوتِ مربی، به سوی خود، و مریدپروری
نیست،

بلکه دعوت به سوی خدا و بندگی اوست.

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا
عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَامُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا
كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ (آل عمران: ۷۹)

تربیت دینی، چه نیست و چه هست؟

تربیت دینی، از آموزش احکام و مناسک و امثال آن آغاز
نمی شود،

بلکه از توجه دادن به وجدانیات، خصوصاً انصاف آغاز
می شود.

نکته دوم: اهمیت وجدان در سلسله مراتب دینداری، به مثابه بندگی خداوند



مراعات امر و نهی شریعت

مراعات امر و نهی وجدان

پیامهای اصلی وجدان

۱- آنچه بر خود نمی پسندی، بر دیگران نیز میسند؛

۲- آنچه بر خود می پسندی، بر دیگران نیز پسند.

اهمیت وجدان از منظر قران و روایت

- سوره شمس: والشمس وضحیها... ونفس وماسویها فالهمها فجورها وتقواها قد افلح من زکیها وقد خاب من دسیها
- سوره ماعون: ارایت الذی یکذب بالذین...
- پیامبر (ص): ان الله يحب الکافر السخی، ویبغض المؤمن البخیل (نهج الفصاحه)
- در روایت آمده است: یکی از درهای بهشت، باب المعروف است.
- امام رضا (ع): علیکم بتقوی الله والورع والاجتهاد و أداء الأمانة وصدق الحدیث و حسن الجوار، فبهذا جاء محمد

توصیه به رعایت انصاف، در کلام علی (ع) - نامه ۳۱ نهج البلاغه

- يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ؛ پسر من نفس خود را میزان بین خود و دیگران قرار ده؛
- فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ؛ بنا بر این، آنچه برای خود دوست داری برای دیگران هم دوست بدار
- وَاکْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا؛ و هر چه برای خود نمی خواهی برای دیگران هم مخواه
- وَلَا تَظْلِمِ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ؛ و به کسی ستم مکن چنانکه دوست نداری به تو ستم شود
- وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ؛ و نیکی کن چنانکه علاقه داری به تو نیکی شود
- وَاسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ؛ و آنچه را از غیر خود زشت می دانی از خود نیز زشت بدان
- وَارْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ؛ و از مردم راضی باش، با همان چیزی که اگر از تو سرزند، خودت بدان راضی می شوی.

به راستی، هدف غایی از تربیت دینی چیست؟

اگر تربیت، برای ایجاد فرصت تعاملی برای شکوفاشدن ظرفیتهاست،

مهمترین استعداد فرزند ما، به عنوان یک انسان چیست؟

• قدرت جسمانی

• هنرمندی

• خلاقیت

• هوش

• علم

• ???

فراموش نکنیم که:

خداوند ما را برای «خداگونه شدن»

آفریده است و بدین سبب ما را «حیّ متاله»

آفرید.

مهمترین استعداد انسان به عنوان «حی متألّه»:

- استعداد رسیدن به مقام خلیفه الهی (اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَهٗ - بقره: ۳۰)
- استعداد خداگونه شدن، ربّانی شدن (کُونُوْا رَبّٰنِیْنَ - آل عمران: ۷۹)
- استعداد آینه تمام نمای خدا شدن (مرآت صفات جمال و جلال خدا شدن)
- استعداد رسیدن به مقام تقرب (قُلْ هَذِهِ سَبِیْلِیْ اَدْعُوْا اِلَی الْاِلٰهِ - یوسف: ۱۰۸)
- استعداد اتّصاف به صفات کمال الهی (تَخَلَّقُوْا بِاَخْلَاقِ اللّٰهِ)
- استعداد دستیابی به عزت و مُلک جاودانه، و درک حال و هوای بهشت

بخش چهارم:

چند نکته کاربردی، در تربیت دینی (اسلامی)

فرزندان

نکته اول: مربی حقیقی خداست و ما انسانها،

جز واسطه (شفیع بودن) هیچ نقشی نداریم:

«مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ؟...» (بقره: ۲۵۵)

بی عنایات خدا هیچیم هیچ ...!

حقیقت وجدان

- علامه جعفری: وجدان، انعکاس صدای خداوند است، لذا از اول خلقت آدم بوده و تا قیامت نیز خواهد بود.
- وجدان، نماینده دائمی خداوند در درون هر یک از ما انسانهاست.
- مفهوم دین فطری (شهید مطهری)
- شهید مطهری: دین، بلندگوی ندای آرام وجدان است.

نکته سوم: اهمیت نام نیکو برای فرزندان

- توجه: نام نیکو شامل نام کوچک و نام خانوادگی فرزند ماست.

نکته چهارم: اهمیت روزی حلال در تربیت و رشد خانواده

• پیامبر (ص):

اگر عبادت خداوند، ده جزء باشد، نه جزء آن، طلب روزی حلال است!

توجه: عبادت خدا، هموارکننده مسیر عبودیت اوست...

نکته پنجم: اهمیت وجود یک انسان عامل به دین، در کنار کتاب آن دین

• ولقد ارسلنا رسلاً بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان (سوره حدید)

• نقش بی بدیل والدین، به عنوان نزدیکترین فرد به مربی، جهت الگوگیری مربی از ایشان

پیامبر اکرم (ص):

یا علی! لئن یرہدی اللہ بک رجلا واحدا، خیر لک من الدنیا وما فیہا...

به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی است ...

در تنظیم مطالب، از آثار صاحب نظران مختلف استفاده
شده است؛ اما به طور خاص بر خود لازم می دانم از دو
اندیشمند نام برده و از آنان تقدیر نمایم:

دکتر خسرو باقری و دکتر عبدالعظیم کریمی

از توجه بزرگوارانه شما، صمیمانه

سپاسگزارم.